



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

Quarterly Journal Of
Army Strategic Research
Print ISSN:27834212
Volume 3, Issue 10
Winter 2025
P.P. 93-125

Understanding the nature of hybrid warfare

Fathollah kalantari¹

Abstract

The nature of war does not change, the goals, methods, tools and methods of fighting and winning change. Hybrid warfare, because it generally takes place in the gray area, has a covert nature and has blurred the line between war and peace. The main purpose of this article is to identify what, why and how to implement hybrid warfare. This article is of applied-developmental type, which was done by inductive analysis method and using questionnaire tool and using 30 experts. The findings of the research show that the exact concept of combined warfare is still disputed by most thinkers and there is no definite consensus on what, why and how it is, but according to the existing differences, combined warfare can be mixed and mixed in a multidimensional way. It is unclear that it has a variety of tools and tactics, includes a wide range of actors and pursues new goals. Rather than seeking objective and obvious damage, this war attacks targets such as thoughts and minds, and instead of killing and destroying the opposing forces, it seeks to mislead and abuse them for its own purposes and interests. In this way of war, the military force no longer plays the main role and the use of all tools simultaneously and coordinated is inevitable. According to the results of the research, what is combined war includes 20 propositions or factors, why includes 19 propositions and how 10 propositions or factors

Keywords: hybrid warfare, what, why, how.

Citation: kalantari, Fathollah (2025). Understanding the nature of hybrid warfare; *Army Strategic Research Quarterly* 3(10). 93-125

1. Faculty Member, National Defense University, Tehran, Iran. Email: ffkalantari@chmail.ir.

Received: 2024/11/26
Accepted: 2025/02/04

Article Type: Research - based



واکاوی ماهیت جنگ ترکیبی

فتح... کلاتری^۱

چکیده

ماهیت جنگ تغییر نمی‌کند، اهداف، شیوه‌ها، ابزارها و روش‌های نبرد و پیروزی تغییر می‌یابد. جنگ ترکیبی، به دلیل اینکه عموماً در منطقه خاکستری انجام می‌شود، ماهیتی پنهان دارد و مرز جنگ و صلح را از بین برده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی چپستی، چرایی و چگونگی اجرای جنگ ترکیبی است. این مقاله از نوع کاربردی-توسعه‌ای بوده که به روش تحلیل استقرایی و با ابزار پرسشنامه و استفاده از ۳۰ نفر از خبره انجام شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که مفهوم دقیق جنگ ترکیبی همچنان مورد اختلاف اکثر اندیشمندان بوده و اجماع قطعی بر روی چپستی، چرایی و چگونگی آن وجود ندارد اما با توجه به اختلاف‌های موجود می‌توان جنگ ترکیبی را شیوه‌ای چندبعدی، آمیخته و مبهم دانست که دارای تنوع ابزار و تاکتیک بوده، طیف وسیعی از بازیگران را شامل شده و اهداف نوینی را دنبال می‌کند. این جنگ بیش از آن که به دنبال آسیب عینی و آشکار باشد، اهدافی چون افکار و اذهان را مورد هجوم قرار داده و به‌جای کشتن و نابودسازی نیروهای مقابل، به دنبال ایجاد گمراهی و سو استفاده از آنان در جهت اهداف و منافع خود می‌باشد. در این شیوه جنگی، دیگر نیروی نظامی نقش اصلی را ایفا نمی‌کند و استفاده از تمامی ابزارها به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق چپستی جنگ ترکیبی شامل ۲۰ گزاره یا عامل است، چرایی شامل ۱۹ گزاره و چگونگی ۱۰ گزاره یا عامل است.

واژگان کلیدی: جنگ ترکیبی، چپستی، چرایی، چگونگی.

استناد: کلاتری، فتح... (۱۴۰۳). واکاوی ماهیت جنگ ترکیبی؛ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش ۳(۱۰)، ۹۳-۱۲۵.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. Email: fffkalantari@chmail.ir

مقدمه

جنگ ترکیبی در بستر روایت‌سازی و تصویرسازی هوشمندانه از نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود علیه جامعه مخاطب یا کشور هدف انجام می‌شود. جنگ ترکیبی با تأکید بر ابزار و روش‌های غیرنظامی از طریق نفوذ در ارکان نظام، نخبگان، مردم و دوقطبی‌سازی «دولت-ملت» انجام می‌شود. جنگ ترکیبی ابزاری برای تسخیر ذهن است. اعتماد، واحد پول بازیگران جنگ ترکیبی است؛ یعنی در جنگ ترکیبی هدف هر بازیگری این است که سطح اعتماد را در حوزه‌های مختلف در کشور هدف کاهش دهد. در جنگ ترکیبی، مرز جنگ و صلح مشخص نیست. در جنگ ترکیبی، دشمن با شناسایی نقاط ضعف، همان‌جا را هدف می‌گیرد و به‌جای فتح سرزمین، تلاش می‌کند تا ذهن مردم جامعه را تسخیر کند اما افزایش کارآمدی نظام می‌تواند دشمن را در رسیدن به هدف خود ناکام سازد (کلانتری، ۱۴۰۲: ۶۴). در جنگ ترکیبی، دشمن اهداف خود را از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی یا بازیگران غیردولتی پیش می‌برند. بدون آنکه تیری شلیک شود، جنگ ترکیبی با استفاده از ابزار رسانه و شبکه‌های اجتماعی آغاز می‌گردد. این رسانه‌ها می‌توانند در مدت کوتاهی بر موج نارضایتی‌ها سوار شده و با بزرگ‌نمایی اعتراضات یا انتشار اخبار نادرست و حتی آموزش جنگ شهری، معترضان را هدایت کنند، درحالی‌که معترضان اطلاع درستی از افراد پشت‌صحنه این رسانه‌ها و شبکه‌ها ندارند. آن‌ها معترضان را به اقدامات ضد امنیتی تشویق کرده تا زمینه را برای بروز ناامنی و اغتشاش آماده کنند. به عقیده برخی صاحب‌نظران، شش عامل موجب رشد چشم‌گیر جنگ‌های ترکیبی شده است: تغییر ماهیت نظم جهانی، توسعه سریع فناوری‌های سایبری، جهانی‌شدن نوع جدیدی از اقدامات مبتنی بر شبکه، تغییر فضای اطلاعات و چشم‌انداز رسانه، تغییر ماهیت جنگ و درگیری و تغییرات نسلی، (کمال‌زارع، ۱۴۰۳: ۱۳۹). روند روبه رشد ابزارها و روش‌های جنگ ترکیبی از یک‌طرف و بروز تهدیدهای نوپدید باعث بروز نسل جدیدی از جنگ‌های نوظهور ترکیبی شده است که باید به‌طور مداوم ماهیت آن شناسایی شود. بنابراین مسئله و دغدغه اصلی محقق واکاوی چیرستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی است. اهمیت تحقیق عبارت است از شناسایی راهکنش‌ها و تکنیک‌های جدید جنگ ترکیبی، ضرورت اجرای تحقیق، غفلت نکردن از ظرفیت‌ها و عوامل محیطی جهت مقابله با جنگ ترکیبی دشمن است. هدف اصلی تحقیق عبارت است از: شناسایی چیرستی، چرایی و چگونگی اجرای جنگ ترکیبی. اهداف فرعی عبارت‌اند از: الف- شناسایی عوامل و گزاره‌های مؤثر بر چیرستی جنگ ترکیبی،

ب- شناسایی عوامل و گزاره‌های مؤثر بر چرایی جنگ ترکیبی، پ- شناسایی عوامل و گزاره‌های مؤثر بر چگونگی جنگ ترکیبی. این تحقیق اکتشافی است و به دنبال تعیین روابط بین متغیرها نیست، به همین دلیل فرضیه ندارد. سؤالات تحقیق متناظر با اهداف هستند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی

پیشینه‌شناسی

۱- کلانتری (۱۴۰۳) در پروژه‌های با عنوان: واکاوی جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن به این نتیجه رسیده که عوامل مؤثر بر صحنه عملیات جنگ ترکیبی فراروی ج.ا.ایران به تعداد ۴۵ عامل داخلی و ۲۶ عامل خارجی در ۷ مؤلفه امنیتی، نظامی، سیاسی، رسانه‌ای، فضای مجازی و سایبری و اقتصادی استخراج شد. وضعیت موجود نشان می‌دهد که ج.ا.ایران در صحنه جنگ ترکیبی، در وضعیت تدافعی نسبتاً مناسبی قرار دارد.

۲- کمال زارع در رساله دکتری با عنوان: مقایسه قابلیت‌ها و اولویت‌های کشورهای هدف (آمریکا، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی) در جنگ ترکیبی و ارائه مهم‌ترین الزامات مقابله ج.ا.ایران با تهدیدات ترکیبی به این نتیجه رسیده است که بررسی تهدیدات ترکیبی علیه ج.ا.ایران بیانگر این است که مهم‌ترین مسیرهای نفوذ ترکیبی دشمنان نقاط ضعف داخلی است. بنابراین اصل اول مقابله با حملات ترکیبی، مرتفع نمودن نقاط ضعف است.

۳- Johann Schmid (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان: چهره ترکیبی جنگ در قرن ۲۱ به این نتیجه رسیده است جنگ ترکیبی یک مفهوم راهبردی است در صورت استفاده تهاجمی، می‌تواند به یک تغییر بازی برای امنیت و دفاع تبدیل شود. این امر به‌طور ویژه رابطه بین جنگ و صلح، دوست و دشمن، امنیت داخلی و خارجی، بازیگران دولتی و غیردولتی، و نیز بین نظامی و غیرنظامی، و ابزارها و روش‌های منظم و نامنظم را به چالش می‌کشد.

۴- ریچترووا (Richterova, 2016) در مقاله‌ای با عنوان: تهدیدات هیبریدی ناتو به این نتیجه رسیده که حمله ترکیبی در سه مرحله: آماده‌سازی، حمله و دفاع از حمله نهایی انجام می‌شود. متقابلاً سیستم دفاعی جامع و ترکیبی در مقابل حمله ترکیبی باید در سه مرحله: علائم هشدار اولیه، دفاع ترکیبی و بازیابی انجام شود.

جنگ ترکیبی

گراسیمف جنگ ترکیبی را استفاده گسترده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، بشردوستانه و ابزارهای غیرنظامی دیگر که با آشوب مدنی در بین مردم محلی و پنهان کردن نیروهای مسلح تکمیل شده است، می‌داند (Gardner, 2021: 3).

«کروکرو» جنگ ترکیبی را نامحدود با به‌کارگیری مبتکرانه تعدادی از روش‌های نظامی و غیرنظامی از همه محیط‌ها با هماهنگ‌سازی چندجانبه کنشگران دولتی، غیردولتی، بین‌المللی و فردی به‌منظور حصول اهداف سیاسی می‌داند. به اعتقاد وی، جنگ ترکیبی ملغمه‌ای از تجهیزات و عملیات نظامی و غیرنظامی، تروریسم، راهکنش‌های چریکی، حملات سایبری و مجرمانه است. جنگ ترکیبی به جمع بین‌اضداد، همگرایی روش‌ها و تجهیزات، هم‌جوشی تهدیدات و توانمندی‌ها در یک محیط مبهم عملیاتی جامه عمل می‌پوشاند (Cruceru, 2014: 231-236).

ماهیت جنگ ترکیبی

یکی از مفاهیم مهم در جنگ ترکیبی، مفهوم فضای خاکستری است. در وضعیت خاکستری دستور حمله ترکیبی می‌دهند و شما را وارد فضایی می‌کنند که شما در مه صلح و جنگ هستید؛ جنگ ترکیبی نوعی از جنگ است که در آن، یکی از طرف‌های درگیر ساختار نیروهای خود را به‌نوعی بهینه کرده است که از ترکیب تمام منابع موجود، متداول و غیرمتداول در یک زمینه و بستر فرهنگی منحصربه‌فرد استفاده کند تا اثرات خاص و هم‌افزایی در برابر یک رقیب متداول ایجاد کند. در جنگ ترکیبی صحنه نبرد با استفاده از ترکیب چندین ابزار متعارف و غیرمتعارف جنگی مهیا می‌شود (35:2015 Munich Security Report). همه جنگ‌ها ترکیبی هستند، اما یک روش ترکیبی خاص برای انجام جنگ نیز وجود دارد. برخلاف جنگ‌های نظامی محور، مرکز ثقل آن عمدتاً در حوزه نظامی قرار ندارد. در حالی که ظاهر تجربی جنگ ترکیبی در ماهیت خود بسیار بدیع نیست، می‌تواند به طرز شگفت‌آوری جدید باشد و از موردی به مورد دیگر متفاوت باشد. این جنگ ترکیبی به معنای محدود، ماهیت راهبردی دارد و با سه ویژگی کلیدی و هماهنگی ترکیبی آن‌ها قابل‌شناسایی است:

۱. تمرکز تصمیم بین جنگ- درگیری در درجه اول بر طیف وسیعی از مراکز ثقل غیرنظامی. این‌ها می‌تواند شامل اراده سیاسی، اقتصاد، فرهنگ، روانشناسی، مشروعیت یا اخلاق باشد. از این‌رو، موفقیت در جنگ ترکیبی لزوماً مستلزم پیروزی نظامی نیست.

۲. عملیات در سایه و ترکیب مفاهیم مختلف مانند جنگ و صلح، دوست و دشمن، امنیت داخلی و خارجی، حوزه‌های غیرنظامی و نظامی، بازیگران دولتی و غیردولتی. این امر خطوط سنتی نظم و مسئولیت‌ها را محو می‌کند و در نتیجه باعث ایجاد ابهام و اجتناب از انتساب به منظور فلج کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری حریف می‌شود. این به نوبه خود گزینه‌های مخالف را برای پاسخ محدود می‌کند و به حیاتی‌ترین آسیب‌پذیری‌های او در چنین مواردی به روشی غیرخطی حمله می‌کند، درحالی‌که از رویارویی با نقاط قوت خود اجتناب می‌کند.

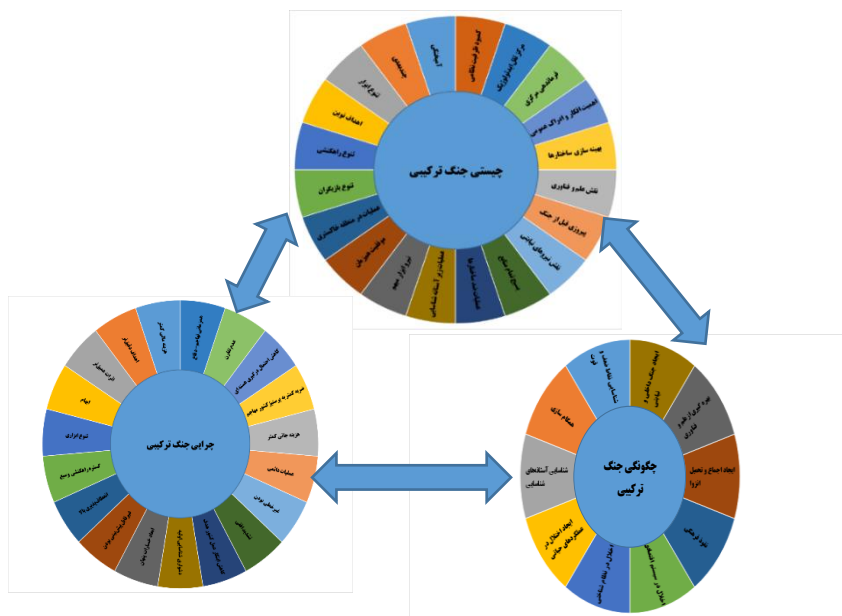
۳. استفاده از ترکیبی خلاقانه و موازی از ابزارها، روش‌ها، تاکتیک‌ها، استراتژی‌ها و مفاهیم مختلف غیرنظامی و نظامی، منظم و نامنظم، باز و مخفیانه، در نتیجه ایجاد فرم‌های ترکیبی همواره نوین. به طور خلاصه: ترکیب مناسب از قدرت سخت با طیف گسترده‌ای از عناصر قدرت نرم با استفاده خلاقانه از قدرت هوشمند (sulmaz,102:2022).

درحالی‌که بازیگران جنگ ترکیبی عموماً به راهبردهای خلاقانه و غیرمستقیم جنگ محدود و استفاده محدود از نیروی نظامی متوسل می‌شوند، باید تأکید کرد که جنگ ترکیبی به طور بالقوه شامل تمام سطوح تشدید می‌شود. اصطکاک و عدم اطمینان همیشه بخشی از بازی است و میزان کنترل قدرت سخت و زور ممکن است از کنترل خارج شود. با توجه به تمرکز آن بر طیف وسیعی از مراکز ثقل غیرنظامی، یک تصمیم نظامی به این عنوان برای بازیگران جنگ ترکیبی برای دستیابی به اهداف سیاسی خود الزامی نیست. همان‌طور که در «دونباس» یا در طول جنگ دوم هند و چین اتفاق افتاد، از نظر نظامی ممکن است برای بازیگر جنگ ترکیبی کافی باشد که مانع از تصمیم‌گیری حریف خود در مورد جنگ در میدان نبرد نظامی شود، درحالی‌که به دنبال تصمیم‌گیری در مورد یک مرکز ثقل غیرنظامی است. روحیه و مشروعیت در این زمینه می‌تواند به سلاح قوی تبدیل شود (Hoffman,54:2007). جنگ ترکیبی یک مفهوم راهبردی است که در صورت استفاده تهاجمی، می‌تواند به یک تغییر بازی برای امنیت و دفاع تبدیل شود. این امر به طور ویژه رابطه بین جنگ و صلح، دوست و دشمن، امنیت داخلی و خارجی، بازیگران دولتی و غیردولتی، و نیز بین نظامی و غیرنظامی، و ابزارها و روش‌های منظم و نامنظم را به چالش می‌کشد. از آنجایی که جنگ ترکیبی ممکن است شامل نبرد متعارف در تمام مراحل تشدید علیه یک حریف متقارن نظامی یا حتی برتر باشد، باید قابلیت‌های جنگ متعارف خود را برای ارائه دفاع ملی و دسته‌جمعی و در عین حال حفاظت از خود در برابر تشدید نزولی به شکل براندازی، نفوذ و تجزیه را دوباره ارزیابی کنند. تهدید جنگ

ترکیبی به‌طور متناقض سبب می‌گردد که ضرورت ایجاد مجدد قابلیت‌های جنگ متعارف برجسته شود. مقابله با جنگ ترکیبی به توانایی محافظت از نقاط آسیب‌پذیر و توان عملیات در مناطق خاکستری با اتخاذ یک رویکرد واقعاً جامع نیاز دارد. این شامل رویکرد کل دولت، رویکرد کل جامعه و همچنین همکاری و هماهنگی بین‌المللی است (Mahmood,18:2021). زمان آن فرارسیده است که جهان آگاهی و درک مشترک و همه‌جانبه خود را از جنگ ترکیبی و راهبردهای مرتبط به‌عنوان پیش‌شرط اقدام مشترک و همه‌جانبه در زمینه دفاع و واکنش ترکیبی، بهبود بخشند. ایجاد قابلیت‌های تحلیلی مربوطه و آموزش درک صحیح به رهبران سیاسی و تصمیم‌گیرندگان بر این اساس، طبیعتاً اولین گام در مقابله با جنگ ترکیبی خواهد بود (rosenberg,72:2019).

مدل مفهومی تحقیق

مدل چکیده‌ای از واقعیات است. یک مدل علی- معلولی نیز چکیده‌ای از شبکه گسترده علت‌ها و معلول‌ها در محدودهای خاص از جهان است. در یک مدل علی- معلولی تعدادی متغیر مستقل، وابسته و شاید واسطه‌های و تعدیل‌کننده وجود دارد بنابراین باید مشخص شود که ما برای چه می‌خواهیم مدل را بسازیم. هدف مدلسازی در تحقیقاتی که با متغیرها یا علت‌ها و معلول‌ها سروکار دارند اهمیت معلول‌ها یا متغیرهای وابسته است. اهمیت این متغیرها موجب می‌شود که تحقیق شکل گرفته و محقق به دنبال بهبود وضعیت متغیر یا متغیرهای وابسته موردنظر باشد. این تحقیق دارای سه هدف فرعی شامل: چیرایی و چگونگی جنگ ترکیبی است، بنابراین مدل مفهومی تحقیق طبق شکل زیر است.



روش شناسی

این تحقیق از یک طرف کاربردی و در حال حاضر مورد استفاده بخش کشوری و لشکری است و از طرفی دیگر به علت متنوع بودن چیستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی قابلیت توسعه دارد، بنابراین تحقیق از نوع کاربری- توسعه‌ای است. روش تحقیق تحلیلی و استقرایی است، برای رسیدن به ماهیت جنگ ترکیبی از جزء به کل اقدام شده است یعنی ابتدا گزاره‌های مرتبط با چیستی، چرایی و چگونگی احصا شده و در نهایت پس از ترکیب آن‌ها ماهیت جنگ ترکیبی تبیین شده است. قلمرو زمانی تحقیق از نظر کاربرد، از سال ۲۰۰۵ که ادبیات جنگ ترکیبی تولید شد تا سال ۲۰۳۰ که پایان سند آینده ناتو در ۲۰۳۰ است. از نظر مکانی، حوزه جنگ ترکیبی جهانی است. جامعه آماری این تحقیق از صاحب‌نظران و کارشناسان حاکمیتی، کشوری و لشکری که حداقل دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده و چهار سال به‌عنوان مدیر در بخش‌های فرهنگی و جنگ نرم دولتی و لشکری بوده و عضو کارگروه جنگ ترکیبی ستاد کل نیروهای مسلح و دارای حداقل دو اثر علمی مرتبط با جنگ ترکیبی باشند. با توجه به ویژگی‌های یادشده تعداد جامعه نمونه ۳۰ نفر است. چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است، نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار و ۳۰ نفر است. اطلاعات این تحقیق از دو روش میدانی و اسنادی گردآوری است. در روش میدانی، ۴۹ پرسش (۲۰ سؤال در مورد چیستی، ۱۹ سؤال چرایی و ۱۰ سؤال چگونگی) بسته طراحی شده است. ابتدا سؤالات چیستی، چرایی و چگونگی، از جزء به کل، هر کدام توسط یک تیم جداگانه تهیه شده و نهایتاً توسط ۵ نفر خبره به‌صورت کلی تلفیق شده است. است برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دومرحله‌ای پرسشنامه و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و یک نمونه اولیه بین استادان دانشگاه عالی دفاع ملی و دافوس آجا پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل و میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از $0/8$ به‌دست‌آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار است.

اختلاف بین نتایج پرسشنامه با جلسه خبرگی از طریق آزمون تی و فاصله اطمینان ۹۵ درصدی در قالب طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی و تحلیل کمی شده است. چنانچه آلفای کرونباخ بین ۰.۷ تا ۱ باشد نتایج یافته‌ها قابل قبول است، با توجه به اینکه اختلاف بین

نتایج پرسشنامه و جلسه خبرگی کمتر از ۷. است تمام مؤلفه‌ها و عوامل به‌دست‌آمده دارای روایی و پایایی لازم می‌باشند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل چِستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی تمام مؤلفه‌ها با دو میانگین (میانگین نتایج پرسشنامه و میانگین نظر خبرگان) با استفاده از طیف لیکرت محاسبه شده است. میانگین ۱ (اهمیت خیلی کم)، ۲ (اهمیت کم)، ۳ (اهمیت متوسط)، ۴ (اهمیت زیاد) و ۵ (اهمیت خیلی زیاد) در جداول زیر مورد سنجش قرار گرفته‌اند. میانگین اول بر مبنای نظر ۳۰ پرسشنامه بوده و میانگین دوم پس از استخراج و بررسی، میزان اهمیت هر کدام از آن‌ها توسط محقق بر مبنای ادبیات تحقیق، اسناد مرتبط با جنگ ترکیبی و همچنین بر اساس نتیجه جلسه خبرگی با ۵ نفر از صاحب‌نظران پیرامون جنگ ترکیبی طبق مدل لیکرت در ۵ سطح، وزن دهی گردیده است. محقق ابتدا کلیه مفاهیم مرتبط با جنگ ترکیبی مثل چِستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی را استخراج نموده و طی یک پرسشنامه سؤالات را به ۳۰ نفر از کارشناسان جنگ ترکیبی داده و میانگین نظر آن‌ها به‌عنوان نتایج پرسشنامه در جداول مربوطه درج گردیده است، به‌منظور اعتبارسنجی نتایج حاصله جلسه خبرگی با حضور ۵ نفر از صاحب‌نظران برگزار گردیده و نتایج پرسشنامه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گفتنی است. ۵ نفر خبره به پیشنهاد ۳۰ نفر حجم نمونه که عضو کارگروه جنگ ترکیبی ستاد کل نیروهای مسلح هستند به‌عنوان خبره انتخاب شده‌اند. نقش این ۵ نفر قضاوت در مورد اختلاف نظر بین حجم نمونه در مورد چِستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی است. بر این اساس جداول این بخش دارای دو میانگین است، یکی منتج از پرسشنامه و دومی منتج از جلسه خبرگی است. در تمام عوامل تفاوت نتایج پرسشنامه و با نتایج جلسه خبرگی کمتر از ۷. بوده است، به مین دلیل دارای روایی و پایایی هستند.

تجزیه و تحلیل هدف فرعی اول: چِستی جنگ ترکیبی

موارد زیر مهم‌ترین مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط با چِستی جنگ ترکیبی است:

۱- آمیختگی: جنگ ترکیبی آمیخته‌ای از جنگ‌های نظامی (جنگ کلاسیک، جنگ منظم و جنگ نامنظم، جنگ نیابتی، عملیات ویژه و اقدام مستقیم)، جنگ فرهنگی (برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجرت‌پذیری، یورش فرهنگی)، جنگ رسانه‌ای (فضای مجازی، خبررسانی جعلی، رسانه‌های جمعی)، جنگ مذهبی (ایجاد تضاد دینی، بهره‌برداری از اختلافات و نارضایتی‌های دینی و قومی)، جنگ سیاسی (جنگ دیپلماسی، مداخله در انتخابات کشورهای

خارجی، ایجاد انقلاب‌های مخملی، جنگ قضایی (دادگاهی و دادگاه‌های بین‌المللی) و جنگ امنیتی و شناختی (جنگ در حوزه ادراک و ذهن) و شامل همه تلاش‌ها برای تغییر رژیم یا تحت تأثیر قرار دادن یا وادار کردن آن به شرایطی که برای متجاوز مطلوب است که به صورت نامحدود با به‌کارگیری مبتکرانه طیف وسیعی از روش‌های نظامی و غیرنظامی از همه محیط‌ها (زمین، هوا، دریا، فضا و محیط سایبری) با هماهنگ‌سازی چندجانبه کنشگران دولتی، غیردولتی، بین‌المللی و فردی به‌منظور حصول اهداف خاص صورت می‌گیرد. این شیوه به‌نوعی دارای درهم‌آمیختگی و درهم‌تنیدگی راهبردی دفاعی، بازدارندگی و تهاجمی بوده و همچنین انطباق هم‌زمان هر سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی را میسر می‌نماید. اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده اما طبق نتایج پرسشنامه ۴،۴ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۶ است.

۲- چندبعدی: جنگ ترکیبی دربرگیرنده ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک، علمی، فرهنگی- رسانه‌ای، امنیتی و اجتماعی است، به‌گونه‌ای که امکان شناسایی، انتساب، اقدامات تلافی‌جویانه و همچنین احتمال رویارویی مستقیم نظامی را به حداقل برساند و طرف مقابل را در چندین حوزه و جبهه درگیر نماید و موجب سردرگمی تصمیم‌گیرندگان گردد. اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده و بر اساس نتایج پرسشنامه ۴،۸ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۳- تنوع ابزار: به‌کارگیری طیف کاملی از ابزارها، راهکنش‌ها و راهبردها و ترکیب منحصر به فرد آن‌ها که بی‌ثباتی ایجاد می‌کند، مردم‌سالاری را از بین می‌برد، قطب‌بندی سیاسی به وجود آورده و همزیستی، همبستگی، وحدت و اجماع را نابود می‌سازد تأکید نموده است که با محوریت جنگ‌های شناختی، ساماندهی و برنامه‌ریزی می‌شوند. این ابزارها در ابعاد مختلف و در چندین سطح به‌گونه‌ای هم‌زمان و هماهنگ استفاده گردیده و به بازیگر جنگ ترکیبی اجازه می‌دهد که از ابزارهای متفاوتی که در اختیار دارد، به بهترین و مؤثرترین شکل استفاده نموده و به‌صورت همه‌جانبه به نقاط آسیب‌پذیر کشور هدف حمله نماید. اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان، نتایج پرسشنامه و اسناد بررسی‌شده،

خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده است. در این مؤلفه بین نظر خبرگان و نتایج پرسشنامه اختلافی وجود ندارد.

۴- اهداف نوین: جنگ‌های ترکیبی به دنبال پیروزی و استقرار صلح نیستند؛ بلکه به دنبال اهدافی چون تضعیف مشروعیت نهادها، تضعیف اعتماد جامعه هدف به آن‌ها، تغییر نتایج انتخابات، بی‌ثبات کردن کشور هدف، تضعیف نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، ایجاد اختلال، ایجاد و گسترش شکاف‌های اجتماعی، قومی، مذهبی، ایجاد آشوب و انقلاب رنگی، جنگ داخلی و ناکارآمد کردن اقدامات دشمن و دخالت در روند سیاست‌گذاری آن می‌باشند. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده اهمیت زیادی در تبیین چستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد بر اساس نتایج پرسشنامه هم میزان اهمیت آن ۳٫۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۵- تنوع راهکنشی: جنگ ترکیبی در برگیرنده روش‌های جنگ متعارف، نامتعارف، منظم، نامنظم، شناختی و عملیات روانی است که همین امر چگونگی ترکیب ابزارها و راهکنش‌های مورد استفاده در جنگ ترکیبی را تنوع بخشیده و موجب می‌گردد باز یگر مهاجم بر مبنای اهداف و توانایی‌های خود و آسیب‌پذیری‌های درک شده از کشور هدف، طرح‌ریزی راهکنشی خود را صورت دهد. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چستی جنگ ترکیبی دارد، عدد مطابق با آن در مدل لیکرت ۴ است. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۶- تنوع بازیگران: یکی از دیگر از نقاط افتراق این شیوه طیف وسیع به کارگیرندگان آن است که شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی است که بسیاری از آن‌ها به صورت مستقل یا در وابستگی با یکدیگر و به‌عنوان متحد یا نیروی نیابتی دیگری به جنگ ترکیبی روی آورده‌اند. اهمیت این مؤلفه در تعریف چستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۲ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۸ است.

۷- عملیات در منطقه خاکستری: این شیوه مرز میان جنگ و صلح را از بین برده و با ایجاد ابهامات عامدانه توسط دولت یا گروه مهاجم به ادراکات و روندهای کشور هدف خدشه وارد نموده و در نتیجه عدم شناسایی دقیق و به موقع و اتخاذ تصمیمات واکنش‌های نامتناسب توسط آن‌ها را به همراه دارد. در این شیوه همچنین مرز میان مفاهیمی چون سیاست و فرهنگ، غیرنظامیان و جنگجویان، صلح و ستیزه، میدان نبرد و مناطق امن مخدوش گردیده یا به طور کامل از بین رفته است. اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۵ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۵ است.

۸- موفقیت هم‌زمان: در شیوه ترکیبی، موفقیت به صورت هم‌زمان و چندبعدی حاصل می‌گردد. این مؤلفه گرچه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چیستی مفهوم جنگ ترکیبی است اما به نسبت سایر موارد مورد تأکید کمتری قرار گرفته پس میزان اهمیت آن طبق نظر خبرگان و اسناد بررسی شده متوسط در نظر گرفته شده و عدد آن در مدل لیکرت، عدد ۳ در نظر گرفته شده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۲ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۹- نیرو ابزار مبهم: در جنگ ترکیبی مشخص نیست که دشمن کیست و در کجاست، چیزی به عنوان خط مقدم جبهه وجود ندارد، همه جا خط مقدم جبهه است. مخدوش شدن هویت مهاجم و ابزارهای مورد استفاده آن، برآورد میزان دقیق خسارات و محل دقیق آن‌ها و گام‌های بعدی احتمالی را دچار ابهام نموده است. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۰- عملیات زیر آستانه شناسایی: انجام اقدامات در جنگ ترکیبی به صورت مخفیانه و زیر آستانه شناسایی صورت گرفته تا حتی المقدور از انتساب و عواقب بعدی نظیر اقدامات تلافی جویانه یا جرائم بین‌المللی جلوگیری گردد. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی

جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد؛ و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۴ یعنی متوسط به بالا است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۶ است.

۱۱- عملیات ضد زیرساخت‌ها: ایجاد اختلال در زیرساخت‌ها، عملیات‌هایی که در سراسر طیف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و زیرساختی کشور هدف توزیع شده‌اند و در صورت توقف، می‌توانند منجر به اختلال در روندهایی شوند که سیستم هدف به آن وابستگی دارد. این مؤلفه گرچه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چیستی مفهوم جنگ ترکیبی است اما به نسبت سایر موارد مورد تأکید کمتری قرار گرفته پس میزان اهمیت آن طبق نظر خبرگان و اسناد بررسی شده متوسط در نظر گرفته شده و عدد مطابق با آن در مدل لیکرت، عدد ۳ در نظر گرفته شده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۱ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۲- بسیج تمام منابع: با توجه به تنوع ابزار، نیرو راهکنش‌ها، استفاده همه‌جانبه، همجوش و هوشمند از تمام منابع قدرت ملی برای از تعادل خارج کردن و ایجاد محیط آشوبناک در کشور هدف و بهره‌گیری از به هم‌ریختگی‌ها به‌ویژه اثر پروانه‌ای باهدف حداکثر سازی دستاوردها و حداقل‌سازی خسارات، ضروری است. اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است که در مدل لیکرت با عدد ۵ مشخص گردیده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۷ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۱۳- نقش نیروهای نیابتی: در این شیوه خصوصاً در بعد نظامی، حمایت سیاسی و مالی از متحدان و نیروهای نیابتی و استفاده از آن‌ها در نبردهای ترکیبی برای اجتناب از پیامدهای جانبی جنگ و کاهش هزینه‌های آن ضروری است. به‌گونه‌ای که کشور مهاجم تا جای ممکن در نبردهای زمینی شرکت نکند و ویژگی ابهام به قوت خود باقی بماند. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد؛ و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۴- پیروزی قبل از جنگ: این شیوه به سبب ویژگی‌های منحصربه‌فرد و مخفیانه‌ای که دارد غالباً زمانی آشکار می‌شود که اهداف تا حدود زیادی محقق گردیده و به‌نوعی پیش از هرگونه اقدام تلافی‌جویانه که رسماً آغازگر جنگ باشد، پیروزی را حاصل و یا احتمال آن را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. این مؤلفه گرچه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چیستی مفهوم جنگ ترکیبی است اما به نسبت سایر موارد مورد تأکید کمتری قرار گرفته پس میزان اهمیت آن طبق نظر خبرگان و اسناد بررسی شده متوسط در نظر گرفته شده و عدد مطابق با آن در مدل لیکرت، عدد ۳ در نظر گرفته شده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۱ یعنی متوسط است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۵- نقش علم و فناوری: در این شیوه توجه ویژه به علم و فناوری در راستای به‌روزرسانی تجهیزات، راهکنش‌ها و نیروها همواره مورد تأکید بوده و نقش این مؤلفه در بعد جنگ نرم این شیوه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مؤلفه نسبت به سایر موارد مورد تأکید کمتری قرار گرفته پس میزان اهمیت آن طبق نظر خبرگان و اسناد بررسی شده متوسط و عدد مطابق با آن در مدل لیکرت، عدد ۳ است و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۵ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۵ است.

۱۶- بهینه‌سازی ساختارها: لزوم بهینه‌سازی ساختار نیروهای خود و استفاده از ترکیب تمام منابع موجود، متداول و غیرمتداول در یک زمینه و بستر فرهنگی منحصربه‌فرد در راستای حصول اثرات خاص و هم‌افزایی در برابر رقیب، از دیگر مؤلفه‌های مهم در تعریف جنگ ترکیبی است. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۷- اهمیت افکار و ادراک عمومی: جنگ ترکیبی بر لزوم ایجاد حقانیت در افکار عمومی داخلی، افکار عمومی کشور هدف و افکار عمومی بین‌المللی تأکید نموده و بخش زیادی از انرژی خود را صرف جنگ روانی و شناختی می‌کند. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد.

دهد. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۸ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲. است.

۱۸- فرماندهی مرکزی: این شیوه همچنین به سبب تنوع ابزار، راهکنش و نیرو همچنین اهمیت هماهنگی میان این طیف وسیع، کار به مراتب سخت‌تری را در حوزه فرماندهی به نسبت جنگ کلاسیک دارا بوده و به‌طور حتم نیازمند ایجاد یک فرماندهی مرکزی قدرتمند است که طیف وسیع ابزارها، راهکنش‌ها و نیروها را به‌طور هم‌زمان و هماهنگ رهبری نموده و سیاست‌گذاری دقیقی را در این حوزه انجام دهد. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای ادبیات و اسناد بررسی شده و تعدد تأکیدات بر آن ارزش‌گذاری گردیده است، این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱. است.

۱۹- مرکز ثقل ایدئولوژیک: برخلاف جنگ کلاسیک که مرکز ثقل مادی دارد، در جنگ ترکیبی، مرکز ثقل ایدئولوژیک است و نیروها بر مبنای یک گفتمان درون‌سازمانی و بر مبنای هویت اجتماعی، فرهنگی، دینی خود عمل نموده و افکار عمومی جامعه هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مؤلفه گرچه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چیستی مفهوم جنگ ترکیبی است اما به نسبت سایر موارد مورد تأکید کمتری قرار گرفته پس میزان اهمیت آن طبق نظر خبرگان و اسناد بررسی شده متوسط در نظر گرفته شده و عدد مطابق با آن در مدل لیکرت، عدد ۳ در نظر گرفته شده و بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۷. است.

۲۰- کمبود ظرفیت نظامی: نیروهای ترکیبی به سبب شیوه، ابزارها و راهکنش‌های متفاوت از شیوه کلاسیک، از ظرفیت نظامی کمتری برخوردار بوده و همواره تلاش می‌کنند با استفاده از نیروهای سنتی پشتیبان و سایر ابزارهای غیرنظامی به جبران این کمبودها بپردازند. میزان اهمیت این مؤلفه در تعریف چیستی جنگ ترکیبی، بر مبنای نظر خبرگان و اسناد بررسی شده این مؤلفه اهمیت زیادی در تبیین چیستی جنگ ترکیبی دارد که همین امر عدد مطابق با آن در مدل لیکرت را عدد ۴ قرار می‌دهد. بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳. است.

جدول ۱: مؤلفه‌های مرتبط با چیستی جنگ ترکیبی

ردیف	چیستی	نتایج پرسشنامه	وزن	انحراف معیار	نتایج خبرگی
۱	آمیختگی	۴,۴	۰,۰۵۳	۰,۷	۵
۲	چندبعدی	۴,۸	۰,۰۵۸	۰,۵	۵
۳	تنوع ابزار	۵	۰,۰۶۰	۰	۵
۴	اهداف نوین	۳,۷	۰,۰۴۴	۱,۱۱	۴
۵	تنوع راهکنشی	۳,۹	۰,۰۴۷	۱,۲۴	۴
۶	تنوع بازیگران	۴,۲	۰,۰۵۰	۱,۱	۵
۷	عملیات در منطقه خاکستری	۴,۵	۰,۰۵۴	۰,۷۱	۵
۸	موفقیت هم‌زمان	۳,۲	۰,۰۳۸	۱,۳	۳
۹	نیرو ابزار مبهم	۳,۹	۰,۰۴۷	۱,۴۴	۴
۱۰	عملیات زیر آستانه شناسایی	۳,۴	۰,۰۴۰	۱,۲۲	۴
۱۱	عملیات ضد ساختارها	۳,۱	۰,۰۳۷	۱,۳۴	۳
۱۲	بسیج تمام منابع	۴,۷	۰,۰۵۶	۰,۴۵	۵
۱۳	نقش نیروهای نیابتی	۳,۹	۰,۰۴۷	۰,۹۹	۴
۱۴	پیروزی قبل از جنگ	۳,۱	۰,۰۳۷	۰,۹	۳
۱۵	نقش علم و فناوری	۳,۵	۰,۰۴۲	۰,۷۶	۳
۱۶	بهبودسازی ساختارها	۳,۹	۰,۰۴۷	۰,۶۴	۴
۱۷	اهمیت افکار و ادراک عمومی	۳,۸	۰,۰۴۵	۰,۷۸	۴
۱۸	فرماندهی مرکزی	۳,۹	۰,۰۴۷	۱	۴
۱۹	مرکز ثقل ایدئولوژیک	۳,۷	۰,۰۴۴	۰,۸۶	۳
۲۰	کمیود ظرفیت نظامی	۳,۷	۰,۰۴۴	۰,۹۶	۴

تجزیه و تحلیل هدف فرعی دوم: چرایی جنگ ترکیبی

با نگاه کلی به مطالب و مستندات ارائه شده می‌توان به‌طور کلی، چرایی این مفهوم که مورد وثوق اکثریت اندیشمندان بوده را استخراج و تبیین نمود.

۱- هزینه مالی کمتر: جنگ ترکیبی به سبب نوع ابزارهای متفاوت و گستردگی تنوع آن‌ها، نیازمند بودجه‌ی کمتری است. به‌طور مثال در دنیای کنونی ابزارهایی نظیر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی با مخارجی به‌مراتب کمتر از موشک‌ها و جت‌های جنگی، اثرات

به‌مراتب سخت‌تری را به کشور هدف وارد می‌نمایند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۲ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۲- اهداف دقیق‌تر: در جنگ ترکیبی هدف اصلی افکار، ذهن و ادراکات طرف مقابل است و برخلاف شیوه کلاسیک، جامعه هدف آن‌هم نظامیان و هم غیرنظامیان را در بر گرفته و بیش از آن‌که مقصود جان و مال آن‌ها باشد، افکار و ادراکشان است. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته و دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۳ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۳- اثرات عمیق‌تر: جنگ ترکیبی تا حد امکان به دنبال نفوذ در ظرفیت‌های طرف مقابل است تا نه تنها امکان بهره‌گیری طرف مقابل از آن‌ها را محدود سازد بلکه از آن‌ها در جهت تأمین منافع و خواسته‌های خود بهره‌گیرد، اثرات این شیوه به دلیل رسوخ بر افکار و ادراکات جامعه هدف تا مدت‌ها بقای خود را حفظ نموده و به‌سادگی ترمیم نخواهند شد. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است. در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۷ یعنی خیلی زیاد است. اختلاف نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۴- ابهام: اقدامات در جنگ ترکیبی زیر آستانه شناسایی بوده و موجب سردرگمی و ابهام طرف مقابل می‌گردد، همین امر ابتکار عمل را تا حد زیادی از آن‌ها گرفته و احتمال حصول نتایج مدنظر را به طرز چشم‌گیری بالا می‌برد. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است. در مدل لیکرت با عدد ۵ که بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۸ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۵- تنوع ابزاری: جنگ ترکیبی به سبب بهره‌گیری از طیف وسیعی از ابزارها اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، رسانه‌ای، علمی- فناوری، امنیتی و سایبری که هر کدام به بخش‌های وسیع‌تری تقسیم می‌شوند، کشور مهاجم ابتکار عمل بیشتری داشته و علاوه بر تشدید اثرات، امکان پیش‌بینی و حتی شناسایی تحرکات توسط دشمن را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، خیلی زیاد است. این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی در جهان امروز بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۶ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۴ است.

۶- گستره‌ی وسیع راهکنشی: در جنگ ترکیبی تنوع ابزاری بالا بوده و شیوه استفاده، ترکیب و هماهنگی میان آن‌ها از روش‌های متعددی پیروی می‌کند که علاوه بر دادن ابتکار عمل به طرف مهاجم، شناسایی را تا حد زیادی برای کشور هدف سخت می‌نماید. این ویژگی همچنین منجر به خاصیت به‌گزینی می‌گردد که به بازیگر قدرت انتخاب بهترین راهکنش‌ها را جهت پیاده‌سازی می‌دهد. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به تعدد بالای تکرار آن در ادبیات تحقیق و اسناد بررسی‌شده، بسیار زیاد است. با توجه به موارد فوق، این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی در جهان امروز بوده، پس در مدل لیکرت که جدول ۲ مطابق با آن طراحی گردیده با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۵ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۵ است.

۷- انعطاف‌پذیری بالا: در جنگ ترکیبی همان‌طور که ذکر گردید تنوع ابزاری و راهکنشی، گستره نیروها که نظامیان و غیرنظامیان را شامل می‌شود و همچنین میدان و بستر متفاوت، انعطاف‌پذیری برای تغییرات راهکنشی، ابزاری و جابه‌جایی نیروها بالا بوده و افزایش آن نیز همواره مورد تأکید است. یک نیروی ترکیبی هم اجزاء متداول و هم اجزاء غیرمتداول اعم از عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی، شورشی، اغتشاشگر و تروریسم را شامل می‌شود. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، خیلی زیاد است. این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی در جهان امروز بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین

ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۷ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۸- غیرقابل پیش‌بینی: جنگ ترکیبی به وسیله طیف گسترده‌ای از نیروها و ابزارها و زیر آستانه شناسایی صورت می‌گیرد، در بسیاری مواقع تشخیص اقدامات بالفعل نیز برای کشور تحت هجوم میسر نیست، در نتیجه پیش‌بینی اقدامات آینده به مراتب امری دشوارتر است. اهمیت این مؤلفه در تبیین چرایی جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است. این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی در جهان امروز بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۶ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۴ است.

۹- ابعاد و خسارات پنهان: در جنگ ترکیبی، حملات در گستره وسیعی به صورت هم‌زمان و هماهنگ و زیر آستانه شناسایی صورت می‌گیرند که همین امر نه تنها امکان مشاهده عینی حملات را دشوار می‌نماید بلکه امکان برآورد دقیق خسارات و اتخاذ تصمیم برای واکنش متناسب را به طور چشم‌گیری کاهش می‌دهد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی است، پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۴ یعنی متوسط به بالا است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۶ است.

۱۰- دشواری شناسایی اولیه: در جنگ ترکیبی حتی شناسایی تحت حمله بودن نیز امری دشوار تلقی می‌گردد به گونه‌ای که در بسیاری موارد خود کشور هدف و تصمیم‌گیران آن نیز مدت‌ها پیش از آغاز حملات ترکیبی علیه خود متوجه این اقدامات گردیده و مدت‌ها زمان برده است تا آن را به جامعه داخلی و بین‌المللی اثبات نمایند و همین امر برتری قابل توجهی را در اختیار کشور مهاجم قرار می‌دهد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، دارای اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی است، پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۲ یعنی متوسط به بالا است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۸ است.

۱۱- کاهش ابتکار عمل کشور هدف: موارد بسیاری در جنگ ترکیبی است که موجب افزایش ابتکار عمل برای کشور مهاجم و کاهش آن برای دولت هدف می‌شود. مواردی چون دشواری شناسایی حملات در تمام مراحل، غیرقابل پیش‌بینی و برآورد بودن اقدامات و خسارات، استفاده عمدانه از ابهام و تنوع راهکنشی و ابزاری از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که منجر به این امر می‌شوند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی در مناسبات امروزی میان کشورها داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۲- تشدید افقی: در جنگ ترکیبی، طیف وسیعی از ابزارها به صورت افقی عمل نموده و علاوه بر آنکه به سبب هم‌زمانی و هماهنگی، بر هم اثرات تصاعدی مثبت می‌گذارند، به سبب مرحله‌ای نبودن موفقیت‌های حاصله، امکان قطع تسلسل میان آن‌ها را نیز از بین می‌برند. این ویژگی قابلیت تسری را نیز تا حدود زیادی ممکن نموده و کمک می‌کند تا اقدامات به ظاهر غیرمرتبط بر هم و یا بر نتایج مشترک تأثیرات تصاعدی بگذارند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۱۳- غیرخطی بودن: اثرات در جنگ ترکیبی غیرخطی است، به این معنی که اقدام A الزاماً به نتیجه B منجر نخواهد شد و همچنین صرفاً به یک نتیجه منتج نخواهد گردید و ممکن است نتایج سلسله‌وار و حتی غیرمرتبطی نیز به همراه داشته باشد. همین امر موجب می‌گردد اقدامات کشور مهاجم غیرقابل پیش‌بینی بوده و صرفاً زمانی آشکار گردد که نتایج آن حاصل شده است. این اصل امکان تجزیه و تحلیل اقدامات و اهداف کشور مهاجم، بر اساس سوابق تاریخی آن را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد. پس امکان کنترل حملات یا برنامه‌ریزی برای دفع آن‌ها توسط کشور هدف را بسیار کمتر می‌کند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر

با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۴- عملیات دائمی: در جنگ ترکیبی با توجه به ماهیت مخفی آن که امکان شناسایی، انتساب، محکومیت و اقدامات تلافی‌جویانه را به حداقل می‌رساند، کشور مهاجم می‌تواند حملات و اقدامات خود را به صورت دائمی علیه کشور هدف صورت داده و منافع مدنظر خود را تا حدود زیادی تأمین نماید. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی در مناسبات امروزی میان کشورها داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۱۵- هزینه جانی کمتر: در جنگ ترکیبی به سبب هدف متفاوت که بیشتر مبتنی بر تسخیر افکار و ادراکات طرف مقابل و نفوذ در سیستم آن است، اقدامات جانی علیه طرف مقابل به طرز چشمگیری کاهش یافته و از اقدامات تلافی‌جویانه در این حوزه نیز خواهد کاست. رویکرد جنگ ترکیبی از تخریب‌محور به تأثیرمحور تغییر یافته است. تهدیدهای ترکیبی سعی دارند خود را در میان توده عمومی مردم جا داده و به صورت پیچیده‌ای خودشان را مخفی کنند و یا در عملیات مخفیانه، خود را تثبیت نمایند تا شناسایی‌شان را به حداقل برسانند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی در مناسبات امروزی میان کشورها داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۱ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۶- ضربه کمتر به جایگاه و پرستیژ کشور مهاجم: در جنگ ترکیبی، به سبب کاهش چشمگیر امکان انتساب حملات و همچنین اقدامات زیر آستانه شناسایی و امکان استفاده از اهرم‌های قانونی و حقوقی، کشور مهاجم با کمترین مقاومتی از سوی نظام بین‌الملل و سایر کشورها، می‌تواند به تهاجمات ترکیبی خود ادامه دهد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با

عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۱۷- کاهش احتمال درگیری هسته‌ای: با توجه به اصل تناسب در اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات نظامی و جنگ کلاسیک از توجیه بالاتری برای واکنش‌های هسته‌ای برخوردار می‌باشند پس جنگ ترکیبی که عمده‌تاً از جنگ شناختی و ابزارهای نرم بهره می‌برد، ضمن دارا بودن تمام مزایای مذکور، امکان اقدامات چرایی جنگ ترکیبی هسته‌ای را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. اهمیت این مؤلفه در تبیین، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است. این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تبیین چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی در جهان امروز بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۱ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۹ است.

۱۸- عدم تقارن: این ویژگی به سبب استفاده هم‌زمان از نیروهای متعارف، غیرمتعارف، راهکنش‌های منظم، نامنظم و ابزارهای نظامی، غیرنظامی در جنگ ترکیبی ایجاد گردیده و به آن برتری عدم تقارن را به نسبت شیوه کلاسیک اعطا نموده است. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۲ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۱۹- هم‌زمانی تهاجم- دفاع: اقدامات ترکیبی علاوه بر اهداف تهاجمی، اهداف تدافعی نیز داشته و در اکثر مواقع، امکان حصول منافع آفندی و پدافندی را به‌صورت هم‌زمان فراهم می‌نماید. بدین‌صورت که برطرف نمودن نقاط ضعف خود و تضعیف اقدامات دشمن اگرچه در اصل عملی تدافعی تلقی می‌گردند اما هم‌زمان ابتکار عمل دولت یا گروه مهاجم را در اقدامات آفندی تقویت می‌نماید. همچنین اقدامات تهاجمی که باهدف تضعیف دشمن صورت می‌گیرد در بعد دفاعی و بازدارندگی نیز مؤثر بوده و امنیت ملی کشور را تقویت می‌نماید. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چرایی اهمیت یافتن مفهوم جنگ ترکیبی در مناسبات امروزی میان کشورها داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس

نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۵ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۵ است.

جدول ۲: مؤلفه‌های مرتبط با چرایی جنگ ترکیبی

ردیف	چرایی	نتایج پرسشنامه	وزن	انحراف معیار	نتایج خبرگی
۱	هزینه مالی کمتر	۴,۲	۰,۰۵۵	۰,۸۲	۴
۲	اهداف دقیق‌تر	۴,۳	۰,۰۵۶	۰,۷۳	۴
۳	اثرات عمیق‌تر	۴,۷	۰,۰۶۱	۱	۵
۴	ابهام	۴,۸	۰,۰۶۲	۰,۷۸	۵
۵	تنوع ابزاری	۴,۶	۰,۰۶۰	۰,۴۸	۵
۶	گستره راهکنشی وسیع	۴,۵	۰,۰۵۸	۰,۷۱	۵
۷	انعطاف‌پذیری بالا	۴,۷	۰,۰۶۱	۰,۷۳	۵
۸	غیرقابل‌پیش‌بینی بودن	۴,۶	۰,۰۶۰	۰,۷	۵
۹	ابعاد خسارات پنهان	۳,۴	۰,۰۴۴	۰,۹۴	۴
۱۰	دشواری شناسایی اولیه	۳,۲	۰,۰۴۲	۱,۱	۴
۱۱	کاهش ابتکار عمل کشور هدف	۳,۹	۰,۰۵۱	۰,۷۴	۴
۱۲	تشدید افقی	۳,۷	۰,۰۴۸	۱	۴
۱۳	غیرخطی بودن	۳,۹	۰,۰۵۱	۰,۷۴	۴
۱۴	عملیات دائمی	۳,۷	۰,۰۴۸	۰,۹	۴
۱۵	هزینه جانی کمتر	۴,۱	۰,۰۵۳	۰,۶۴	۴
۱۶	ضربه کمتر به پرستیژ کشور مهاجم	۳,۷	۰,۰۴۸	۰,۸۱	۴
۱۷	کاهش احتمال درگیری هسته‌ای	۴,۱	۰,۰۵۳	۰,۷۴	۵
۱۸	عدم تقارن	۴,۲	۰,۰۵۵	۰,۶۴	۴
۱۹	هم‌زمانی تهاجم-دفاع	۴,۵	۰,۰۵۸	۰,۵	۴

تجزیه و تحلیل هدف فرعی سوم: چگونگی جنگ ترکیبی

یکی دیگر از مهم‌ترین موارد در بررسی جنگ ترکیبی فارغ از چیستی و چرایی این مفهوم، چگونگی انجام آن توسط بازیگران است. با توجه به مطالب و مستندات که در بخش‌های

قبلی ارائه گردید، چگونگی انجام جنگ ترکیبی تا حد وابسته به موارد مختلف است و نمی‌توان یک شیوه واحد با مؤلفه‌های ثابت را برای آن در نظر گرفت.

۱- شناسایی نقاط ضعف و قوت: تهاجم ترکیبی در بستر نارسایی‌های داخلی شکل می‌گیرد و به شکلی هوشمندانه ابزار خود را انتخاب می‌کنند که بیشترین ضربه را بر هدف وارد کند. مهاجم با استفاده از ظرفیت تهدیدات داخلی و در بستر آن، ابزارهای خود برای تهاجم ترکیبی را برمی‌گزیند. اهمیت شناسایی نقاط قوت و ضعف در چگونگی انجام جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، خیلی زیاد است. این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در چگونگی انجام جنگ ترکیبی بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۹ یعنی خیلی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۲- همگام‌سازی: توانایی هماهنگ‌سازی مؤثر بازیگر بین ابزارهای جنگ ترکیبی در زمان، مکان و باهدف مشخص برای ایجاد اثرات موردنظر را مدنظر قرار می‌دهد، چراکه توانایی همگام‌سازی ابزارهای نظامی و غیرنظامی به‌طور هم‌زمان در یک فضای نبرد، یکی از ویژگی‌های کلیدی بازیگران در جنگ ترکیبی بوده و به بازیگر اجازه می‌دهد تا به‌جای اعمال قدرت عمودی، به‌صورت افقی اقدامات خود را صورت دهد، در نتیجه با تشدید در امتداد محور افقی از طریق همگام‌سازی ابزارهای مختلف، یک بازیگر جنگ ترکیبی می‌تواند زیر آستانه‌های شناسایی و پاسخ معین باقی‌مانده و به‌وسیله اثرات چندبرابری نیروها، همان‌اندازه یا حتی بیشتر از زمانی که یک ابزار را به‌صورت عمودی استفاده می‌کند، مؤثر عمل نماید. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۳- آستانه‌های شناسایی: یکی از مهم‌ترین موارد در جنگ ترکیبی انجام اقدامات و عملیات‌ها زیر آستانه شناسایی طرف مقابل و مجامع بین‌المللی است به‌گونه‌ای که در درجه اول امکان شناسایی برای کشور هدف میسر نباشد و در صورت شناسایی توسط آن، توانایی اثبات آن در مجامع بین‌المللی و محکومیت طرف مهاجم وجود نداشته باشد. در همین راستا کنشگران جنگ ترکیبی در مراحل اولیه اقدام به بررسی دقیق آستانه‌های شناسایی نموده و

پس از تعیین آن اقدام به طرح‌ریزی اقدامات خود می‌نمایند. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست؛ پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۷ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۳ است.

۴- ایجاد اختلال در عملکردهای حیاتی کشور هدف: ایجاد اختلال و آسیب به زیرساخت‌ها و عملکردهای حیاتی کشور هدف که عمدتاً از طریق نفوذ امنیتی و حملات سایبری صورت می‌گیرد می‌تواند تا حد زیادی حصول اهداف جنگ ترکیبی اعم از بی‌اثر نمودن اقدامات دشمن، اخلال در روندها، ایجاد به‌هم‌ریختگی و محیط آشوبناک و همچنین تضعیف ظرفیت‌های کشور هدف را تسهیل نماید. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳٫۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۵- اخلال در نظام شناختی بازیگر هدف: هدف نهایی این فرایند استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های مختلف و متنوع فشار به نحوی است که بتوان با تأثیرات شناختی حاصل از فشار هم‌افزا و دردآور به ایجاد اختلال شناختی و سامانه‌ای، تغییر رفتار و منطق تصمیم‌گیری و همچنین پیچیده‌سازی و بحرانی کردن حوزه حکمرانی ملی منجر گردد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد مورد بررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۲ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۲ است.

۶- اخلال در سیستم اقتصادی: شناسایی کالاهای حساس و راهبردی کشور هدف و نیازهای حیاتی آن در مرحله اول و سپس اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌ها تا حدود زیادی می‌تواند بر تضعیف توان دولت و همچنین گسترش نارضایتی در جامعه هدف تأثیرگذار باشد. همچنین جلوگیری از صادرات کالاهای خاص خصوصاً در اقتصادهای تک‌محصولی و همچنین جلوگیری از مبادلات بانکی کشور هدف می‌تواند موجب فلج اقتصادی گردیده و نتایج فوق را

دربرداشته باشد. علاوه بر این موارد، اعطای برخی وام‌ها که شرایط بازپس‌گیری خاصی دارند می‌تواند موجب وابستگی و نفوذ در تصمیمات دولت هدف گردد. در این زمینه، کیفیت قدرت اقتصادی به جهت دارا بودن اهرم‌های قدرتمندتر و کیفیت نیروهای امنیتی به سبب شناسایی دقیق‌تر نقاط مهم اقتصادی کشور هدف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته‌شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۱ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۷- نفوذ فرهنگی: از ابزار فرهنگی عموماً در جهت پخش اخبار جعلی، برجسته‌سازی نقاط ضعف و فاسد دولت هدف، تخریب ارزش‌های بومی، ترویج ارزش‌های مدنظر خود، القای ناامیدی به جامعه هدف، گسترش بی‌اعتمادی میان دولت و جامعه هدف و همچنین ایجاد و تعمیق شکاف‌های قومی-مذهبی-اجتماعی استفاده می‌شود. شبکه‌های اجتماعی، کاربرهای دروغین (ترول)، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، محصولات فرهنگی اعم از صوتی، تصویری و چاپی و مواردی از این دست، مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی کنشگران جنگ ترکیبی می‌باشند. اهمیت نفوذ فرهنگی در چگونگی انجام جنگ ترکیبی، با توجه به نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، بسیار زیاد است. با توجه به موارد فوق، این مؤلفه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در چگونگی انجام جنگ ترکیبی بوده پس در مدل لیکرت با عدد ۵ که دارای بیشترین ارزش ممکن است، مشخص گردیده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴٫۶ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۴ است.

۸- ایجاد اجماع و تحمیل انزوا: کنشگران جنگ ترکیبی با استفاده از مزیت‌های رقابتی خود، ترجیح کشورهای ثالث را به سمت ارتباط با خود سوق داده و به تدریج ارتباطات دولت هدف با سایر کشورها را محدود نموده و به ایجاد اجماع علیه آن نزدیک می‌شوند. مجموع این اقدامات ضمن تضعیف دولت هدف، ابتکار عمل آن را به‌طور چشمگیری کاهش داده و علاوه بر آن موجب اختلال در عملکرد سیستم و گسترش نارضایتی در جامعه می‌گردد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی‌شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته اما دارای بیشترین حد تأکید در موارد موردبررسی نیست پس در مدل لیکرت

ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۹ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۹- بهره‌گیری از علم و فناوری: دارا بودن بسترهای برتر تحصیلی، تحقیقاتی و شغلی در حوزه‌های فناوری و علم، درک جوامع هدف از برتری کشور مهاجم در حوزه علمی-فناوری و همچنین روابط گسترده و متقابل با قطب‌های علم و فناوری از مهم‌ترین مزایا در استفاده از این ابزار است. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته است، پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۴,۱ یعنی زیاد است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۱ است.

۱۰- ایجاد جنگ داخلی و نیابتی: نیروهای نیابتی عموماً از جامعه هدف و از میان گروه‌های تجزیه‌طلب یا اقلیت‌های مستعد اختلاف با حکومت که از قبل مورد حمایت کنشگر مهاجم قرار گرفته‌اند مورد بهره‌ر قرار می‌گیرند. همچنین سایر گروه‌های خارج از کشور هدف که مستعد درگیری با حکومت هدف بوده و عموماً در منطقه مستقر هستند انتخاب‌های جذابی برای پیاده‌سازی فاز نظامی جنگ ترکیبی تلقی می‌گردند. کنشگران جنگ ترکیبی با حمایت‌های خود که عموماً شامل تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شود و همچنین با تبلیغات و کار رسانه‌ای این گروه‌ها را ترغیب به پیاده‌سازی سیاست‌های نظامی خود در منطقه هدف می‌کنند. این‌گونه درگیری‌ها علاوه بر ایجاد آشوب و جنگ داخلی در جامعه هدف، بخش زیادی از زیرساخت‌های حیاتی دولت هدف را به صورت فیزیکی تخریب کرده، روندهای حیاتی سیستم هدف را مختل نموده و هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به کشور هدف وارد می‌آورد. این مؤلفه مطابق با نظر خبرگان و اسناد بررسی شده، اهمیت زیادی در تبیین چگونگی انجام جنگ ترکیبی داشته است، پس در مدل لیکرت ارزش آن برابر با عدد ۴ در نظر گرفته شده اما بر اساس نتایج پرسشنامه اهمیت این مؤلفه ۳,۲ یعنی متوسط است. میزان اختلاف بین نظر خبرگان با پرسشنامه ۸ است.

جدول ۳: مؤلفه‌های مرتبط با چگونگی جنگ ترکیبی

ردیف	چگونگی	نتایج پرسشنامه	وزن	انحراف معیار	نتایج خبرگی
۱	شناسایی نقاط ضعف و قوت	۴,۹	۰,۱۲۲	۰,۳۹	۵
۲	همگام‌سازی	۳,۹	۰,۰۹۷	۰,۹	۴
۳	شناسایی آستانه‌های شناسایی	۳,۷	۰,۰۹۲	۰,۷۲	۴
۴	ایجاد اختلال در عملکردهای حیاتی کشور هدف	۳,۹	۰,۰۹۷	۰,۷۴	۴
۵	اخلال در نظام شناختی بازیگر هدف	۴,۲	۰,۱۰۵	۰,۷	۴
۶	اخلال در سیستم اقتصادی	۴,۱	۰,۱۰۲	۰,۷	۴
۷	نفوذ فرهنگی	۴,۶	۰,۱۱۵	۰,۴۸	۵
۸	ایجاد اجماع و تحمیل انزوا	۳,۹	۰,۰۹۷	۱,۰۱	۴
۹	بهره‌گیری از علم و فناوری	۴,۱	۰,۱۰۲	۰,۸۳	۴
۱۰	ایجاد جنگ داخلی و نیابتی	۳,۲	۰,۰۸۰	۱,۰۱	۴

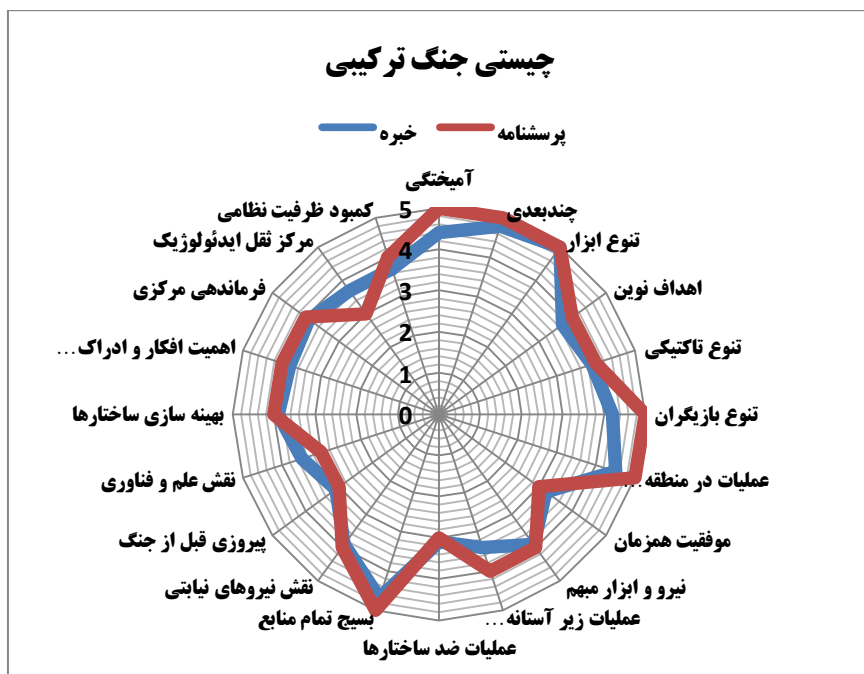
نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جنگ‌های ترکیبی از معمول‌ترین و پیچیده‌ترین انواع منازعات در عرصه بین‌المللی هستند که سوی بازیگران دولتی و غیردولتی به کار گرفته می‌شود. شناخت چپستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی نخستین گام در بازشناسی تهدیدهای بالقوه و بالفعل در این زمینه و چاره‌اندیشی برای مقابله با آن‌هاست. چپستی جنگ ترکیبی شامل ۲۰ گزاره، چرایی شامل ۱۹ گزاره و چگونگی شامل ۱۰ گزاره است. جدول زیر خلاصه مؤلفه‌های مرتبط با چپستی، چرایی و چگونگی جنگ ترکیبی است.

پاسخ سؤال فرعی اول: چپستی جنگ ترکیبی

گرچه مفهوم دقیق جنگ ترکیبی همچنان مورد اختلاف اکثر اندیشمندان بوده و اجماع قطعی بر روی چپستی آن وجود ندارد اما با توجه به جمیع موارد مطرح‌شده، می‌توان جنگ ترکیبی را شیوه‌های چندبعدی، آمیخته و مبهم دانست که دارای تنوع ابزار و تاکتیک بوده، طیف وسیعی از بازیگران را شامل شده و اهداف نوینی را دنبال می‌کند. این جنگ بیش از آن‌که به دنبال آسیب عینی و آشکار باشد، اهدافی چون افکار و اذهان را مورد هجوم قرار داده و به‌جای کشتن و نابودسازی نیروهای مقابل، به دنبال ایجاد گمراهی و سو استفاده از آنان در جهت اهداف و منافع خود است. در این شیوه جنگی، دیگر نیروی نظامی نقش اصلی را ایفا

نمی‌کند و استفاده از تمامی ابزارها به صورت هم‌زمان و هماهنگ امری اجتناب‌ناپذیر است. در نتیجه مهم‌ترین مؤلفه‌ها در درک چیستی جنگ ترکیبی، طبق نمودار زیر است. این نمودار، به مقایسه میانگین نظرات خبرگان با اعداد حاصل از نتایج پرسشنامه پرداخته و میزان تطابق اعداد به دست آمده برای هر مؤلفه را مشخص می‌نماید که مطابق انتظار از میزان تطابق بالایی برخوردار بوده و تا حد زیادی اعتبار بالای نتایج حاصله را به نمایش می‌گذارد.

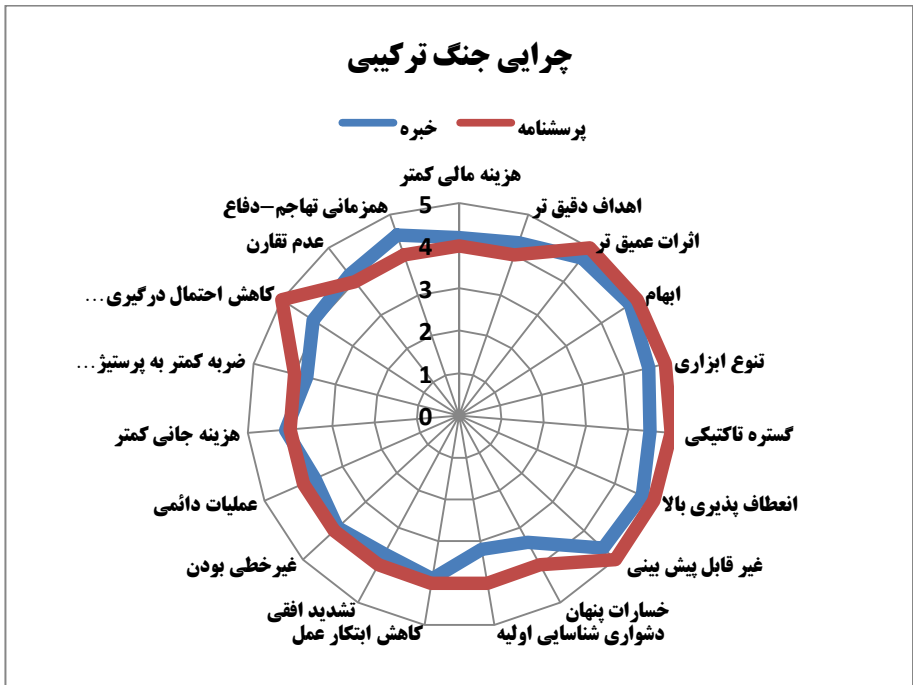


نمودار ۱: مقایسه میانگین نظرات خبرگان با نتایج حاصله از پرسشنامه

پاسخ سؤال فرعی دوم: چرایی جنگ ترکیبی

این شیوه پس از آشکار شدن خسارات و مضرات جنگ کلاسیک، به سبب دارا بودن ویژگی‌های خاص خود، به شیوه‌های محبوب میان قدرت‌ها بدل گشت و امروز استفاده از آن به امری مرسوم میان بازیگران نظام بین‌الملل بدل گشته است. این شیوه به سبب تنوع ابزاری و تاکتیکی خود، از انعطاف بالایی برخوردار بوده و قادر است با صرف هزینه‌ای بسیار کمتر از جنگ کلاسیک، اهدافی دقیق‌تر را مورد هجوم قرار داده و به صورت زنجیره‌ای، اثراتی عمیق‌تر، از خود بر جای بگذارد. این شیوه به سبب خاصیت پنهانی خود، تقریباً پیش‌بینی‌ناپذیر بوده و شناسایی اقدامات مربوط به آن در حین انجام و حتی برآورد دقیق خسارات وارده به کشور هدف، پس از انجام نیز امری بسیار دشوار تلقی می‌گردد، در نتیجه کشور مهاجم می‌تواند

به صورت دائمی و به‌دوراز انتساب مسئولیت و حتی اقدامات تلافی‌جویانه طرف مقابل، به فعالیت‌های خود بپردازد. پس مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بیان چرایی اهمیت یافتن جنگ ترکیبی طبق نمودار زیر است. نمودار زیر آخرین نمودار بخش چرایی جنگ ترکیبی بوده و ضمن مقایسه میانگین نظرات خبرگان با اعداد حاصل از نتایج پرسشنامه و میزان تطابق آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. همان‌طور که در این نمودار آشکار است، اعداد حاصل از تحقیق با میانگین نظرات خبرگان حوزه تا حد زیادی مطابق بوده و همین میزان تطابق بالا می‌تواند میزان اعتبار نتایج حاصله را تا حد قابل‌قبولی افزایش دهد.

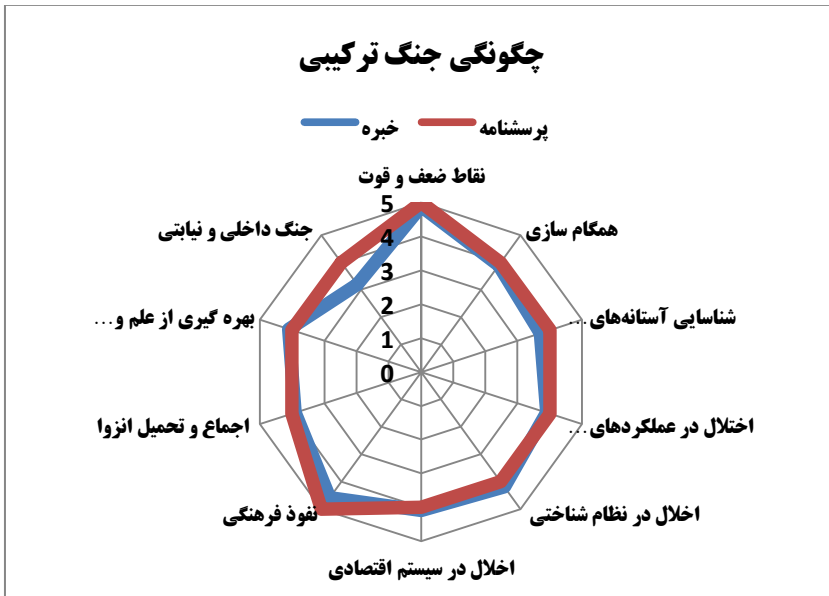


نمودار ۲: مقایسه میانگین نظرات خبرگان با نتایج حاصله از پرسشنامه

پاسخ سؤال فرعی سوم: چگونگی جنگ ترکیبی

حملات ترکیبی با شناسایی مواردی چون نقاط ضعف و قوت خود و طرف مقابل، شناسایی آستانه‌های شناسایی طرف مقابل و مسیرهای مستعد نفوذ آغاز می‌گردد که عموماً توسط سیستم امنیتی انجام گرفته و در طول مسیر نیز به صورت مستمر به‌روزرسانی می‌گردد. سپس آماده‌سازی و هماهنگی ابزارها متناسب با اهداف و داده‌های حاصله، توسط قرارگاه مرکزی جنگ ترکیبی که عموماً زیرمجموعه نهادهای نظامی کشورها هستند، صورت می‌گیرد.

پس طی مراحل اولیه، ایجاد اختلال در روندها و زیرساخت‌های حیاتی کشور هدف در دستور کار قرار می‌گیرد که عموماً طیف وسیعی از ابزارها نظیر سایبری، اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی، رسانه‌ای و حتی نظامی را مورد استفاده قرار می‌دهد. پس‌از این اقدامات، جنگ شناختی و رسانه‌ای به‌صورت جدی دنبال می‌گردد تا سیستم شناختی و افکار عمومی طرف مقابل دچار اختلال شدید شده و توانایی خود در تشخیص مسیر صحیح را از دست بدهد. در این مرحله، استفاده از ابزارهای فرهنگی به اوج خود رسیده و رسانه‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند. پس از ایجاد اختلال گسترده و فعال شدن شکاف‌های داخلی، اقداماتی چون حمایت‌های مالی، نظامی، امنیتی، رسانه‌ای و دیپلماتیک از گروه‌ها و افراد ناراضی و مخالف دولت هدف، صورت گرفته و مسیر جنگ‌های داخلی و نیابتی در درون خاک کشور و یا منطقه هدف، هموار می‌گردد. در همین راستا، مهم‌ترین مؤلفه در درک چگونگی جنگ ترکیبی طبق نمودار زیر است. نمودار زیر آخرین نمودار بخش چگونگی جنگ ترکیبی بوده و به مقایسه میزان تطابق میانگین نظرات خبرگان با اعداد حاصل از نتایج پرسشنامه می‌پردازد. همان‌طور که در این نمودار مشخص است، نظرات خبرگان حوزه که مطابق با جدول ۳، پراکندگی کمی نیز دارد با نتایج حاصل از تحقیق میزان تطابق بالایی داشته و همین امر، اعتبار چشم‌گیری بر نتایج حاصله می‌افزاید.



نمودار شماره ۳: مقایسه میانگین نظرات خبرگان با نتایج حاصله از پرسشنامه

پیشنهادها:

- ۱- تحول اساسی در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی در صداوسیما، باهدف بصیرت‌افزایی اجتماعی، ارزش‌آفرینی در برنامه‌ها، تجدیدنظر و تحول در تولید و پخش برنامه‌های خنثی و بی‌محتوا.
- ۲- بررسی و خنثی‌سازی دروغ‌پردازی‌ها و توطئه‌های هدایت‌شده از سوی غول‌های رسانه‌ای؛ به‌منظور مقابله با جنگ تمام‌عیار ادراکی و شناختی که میدان جنگ را به فضای مجازی و فرماندهی آن را به شبکه‌های دروغ‌پرداز BBC، ایران اینترنشنال، من و تو... سپرده اند.
- ۳- تشکیل قرارگاه ملی رسانه‌ای برای ایجاد حکمرانی رسانه‌ای جهت تصویرسازی و روایت‌سازی صحیح و به‌موقع از واقعیت‌ها و توطئه‌های تروریسم رسانه‌ای معاند و توجه به ارتقاء سطح بینش، آگاهی و سواد رسانه‌ای جامعه به‌منظور کاهش تأثیرگذاری اطلاعات جعلی بر افکار عمومی و جلوگیری از همدردی هدفمند افکار عمومی.
- ۴- تشکیل ستاد یا قرارگاه مرکزی عملیاتی جنگ نرم متشکل از فرماندهان گروه‌های عملیاتی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای، فرهنگی، فضای مجازی و اقتصادی... در ذیل ستاد ملی جنگ نرم، باهدف هماهنگی در تصمیم‌گیری، انسجام‌بخشی در برنامه‌ریزی و هم‌افزایی در اجرا.

منابع

منابع فارسی:

- کلانتری، فتح‌الله، (۱۴۰۲)، جنگ ترکیبی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کلانتری، فتح‌الله، (۱۴۰۳)، واکاوی جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن، تهران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی.
- کمال زارع، حسین، (۱۴۰۳)، رساله دکتری مقایسه قابلیت‌ها و اولویت‌های کشورهای هدف (آمریکا، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی) در جنگ ترکیبی و ارائه مهم‌ترین الزامات مقابله ج.ا.ایران با تهدیدات ترکیبی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

منابع انگلیسی

- Cruceu, V, (2014), On contemporary warfare: short review of specific concepts. **Land Forces Academy Review.**

- Claverie, B& . Cluzel, F. (n.d), (2022), **The Cognitive Warfare Concept**, Retrieved from innovation hub.
- Gardner, Hall, (2021), **Hybrid Warfare: Iranian and Russian** Versions of "Little Green Men" and Contemporary Conflict. Rome: NATO Defense College.
- Hoffman, Frank G; & Virginia, Arlington. (2007). **Hybrid warfare**. Institute POTOMAC: Policy studies and emerging threats and opportunities center.
- Johann Schmid, (2019), **The Hybrid Face of Warfare in the 21st Century**, maanpoulustus-lehti.
- Jitka Richterová, (2016), **NATO & Hybrid Threats**, Prague student summit.
- Mahmood, Nazish (2021); **Analysing Hybrid Warfare And Information/Cyber Operations**, Webology. Volume 18, No. 4, 2021
- Solmaz, Tarik. (2022), Hybrid warfare,: A dramatic example of conceptual stretching. **National security and the future**, 23(1), 89-102.